

بخش سوم

پیگیری اجرای اصول قانون اساسی

GD000417

## اصل ۱۰۰ قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۷۷-۱۸۶

تاریخ ۱۳۷۷/۶/۲۸

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای موسوی لاری  
وزیر محترم کشور

با سلام؛

طبق اصل یکصدم قانون اساسی، که باید شوراهایی به نام شورای ده، بخش، شهر، شهرستان و استان از طریق انتخابات همان محل تشکیل شوند و اداره امور روستا، بخش، شهر، شهرستان و استان را تحت نظارت بگیرند؛ با توجه به این که قانون عادی مربوط به شوراها نیز در سال ۱۳۶۱ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشته است و اصلاحات لازم نیز در سالهای بعد در آن به عمل آمده و تصویب شده است. هنوز انتخابات شوراها صورت نگرفته و اصل یکصدم قانون اساسی بلااجرا مانده است. دستور فرمایید علل عدم برگزاری انتخابات و در نتیجه، عدم تشکیل شوراها و موانع موجود در این راه و اقدامات عملی انجام شده برای هرچه سریعتر محقق ساختن اجرای اصل مزبور تبیین و برای این هیأت ارسال شود.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و رئیس هیأت پیگیری و

نظارت بر اجرای قانون اساسی

شماره ۶۶۶۹

تاریخ ۱۳۷۷/۸/۲

جناب آقای مهربور

مشاور محترم ریاست جمهوری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

سلام علیکم

احتراماً عطف به نامه شماره ۱۸۶-۷۷/م مورخه ۷۷/۶/۲۸ به استحضار می‌رساند وزارت کشور به عنوان مجری سیاست‌های عمومی دولت برکنار از موانع و مشکلات موجود بر سر راه اجرای این سیاست‌ها نیست. تحقق عملی قانون شوراها مصوب آذرماه ۱۳۶۱ به علت جنگ تحمیلی و مشکلات موجود در برخی از مناطق کشور و احتمال سوءاستفاده جریانات سیاسی معاند و همچنین وجود پاره‌ای ابهام‌ها در متن قانون مصوب که اجرای آن را با مشکل مواجه می‌کرد در زمان خود میسر نگردید و موجب شد تا تصویب لایحه انتخابات آن تا تیرماه ۱۳۶۵ به تأخیر افتد. در این لایحه پیش‌بینی شده بود که آیین‌نامه‌های اجرایی قانون مزبور طبق ماده ۷۲ قانون انتخابات، ظرف مدت سه ماه از تصویب قانون، توسط وزارت کشور تهیه و با تصویب هیأت دولت اجرا گردد. با این وجود تصویب آیین‌نامه مزبور در دولت جناب آقای موسوی میسر نگردید.

با شروع به کار دولت جناب آقای هاشمی امر بررسی رادکارهای اجرایی تشکیل شوراها در دستور کار وزارت کشور و دولت قرار گرفت و برای رفع نواقص این قانون، برخی لوایح اصلاحی نیز به تصویب رسید؛ با این حال در جلسه مورخ ۷۱/۴/۷ هیأت محترم دولت اساساً نسبت به قابل اجرا بودن قانون قبلی شورا تردید پدید آمد و با توجه به نظر مقام معظم رهبری و رییس‌جمهور وقت بر لزوم اصلاح قانون مزبور که در جلسه مورخه ۷۱/۵/۱۴ طرح گردید، موجب شد تا وزارت کشور مأمور تهیه لایحه قانونی جدید در این زمینه شود لایحه پیشنهادی وزارت کشور در مورخه ۷۱/۱۲/۴ تقدیم مجلس گردید و سرانجام در مورخه ۷۵/۳/۲۳ «قانون تشکیلات، وظایف و

انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران» از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت.

آیین‌نامه اجرایی انتخابات قانون در زمستان سال ۷۵ به تصویب هیأت محترم دولت رسید و به دلیل انتخابات دوره هفتم ریاست جمهوری در خردادماه ۷۶ و سپس استقرار دولت جدید، امکان برگزاری انتخابات شوراها در آن سال فراهم نشد. با استقرار دولت جدید، وزارت کشور تلاش گسترده‌ای را در زمینه تهیه آیین‌نامه و دستورالعمل‌های اجرایی لازم و دیگر مقدمات ضروری انجام داده و اینک با حصول آمادگی و فراهم آمدن شرایط مقتضی، تاریخ ۷ اسفند ماه سالجاری برای برگزاری این انتخابات بی‌سابقه و عظیم تعیین و قطعی شده است و انشاءالله با یاری خداوند متعال تا پایان امسال انتخابات شوراهای اسلامی کشوری برگزار خواهد شد.

سیدمصطفی تاجزاده  
معاون سیاسی اجتماعی

## اصل ۱۰۱ قانون اساسی

شماره ۸۱۳۵۸۸

تاریخ ۱۳۸۱/۴/۱۲

حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای موسوی لاری  
وزیر محترم کشور

با سلام  
با توجه به اصل ۱۱۳ قانون اساسی و مسئولیت رئیس‌جمهور، دستور فرمایید  
اقداماتی که در زمینه اجرای اصل ۱۰۱ قانون اساسی در خصوص تشکیل شورای عالی  
استان‌ها صورت گرفته و علل و جهات عدم اجرای این اصل تاکنون برای این هیأت  
ارسال گردد.

با تشکر

حسین مهرپور

مشاور رئیس‌جمهور و رئیس هیأت  
پگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

شماره ۱/۸/۳۸۵۸۵

تاریخ ۱۳۸۱/۵/۷

جناب آقای مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

عطف به نامه شماره ۸۱/۳۵۸۸ مورخ ۸۱/۴/۱۲ اعلام می‌دارد که:

نظر به ضرورت تصویب آیین‌نامه اجرایی تشکیل شوراهای فرادستی در هیأت دولت، وزارت کشور ضمن تقدیم آیین‌نامه پیشنهادی به کمیسیون سیاسی دفاعی هیأت محترم دولت و بررسی آن در دو جلسه کمیسیون فرعی بالاخره در تاریخ یکشنبه ۸۱/۴/۳۰ موضوع در جلسه هیأت دولت تصویب شد. بدیهی است به محض ابلاغ آیین‌نامه مذکور وزارت کشور آمادگی اجرای این اصل معطل مانده قانون اساسی را دارد.

سید عبدالواحد موسوی لاری

چنانکه می‌دانیم انتخابات شوراهای اسلامی شهر و شورای عالی استان‌ها برگزار شد و هر دو نهاد تشکیل شدند و اصول یکصدم و یکصد و یکم قانون اساسی به مرحله اجرا درآمد.

## اصل ۲۹ و بند ۴ اصل ۲۱ قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۷۸-۸۷۰

تاریخ ۱۳۷۸/۵/۱۰

جناب آقای دکتر ستاری فر  
مدیر عامل محترم سازمان تأمین اجتماعی

با سلام  
احتراماً با توجه به این که قانون اساسی طی اصل ۲۹ و بند چهارم از اصل ۲۱ برخورداری از تأمین اجتماعی را با تفصیل مصرح در اصول یاد شده، حق همگانی عنوان کرده است، لذا خواهشمند است به استناد اصل ۱۱۳ قانون اساسی و نیز ماده ۱۴ از «قانون تعیین حدود و وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران» اعلام فرمایند در خصوص اجرای موضوع فوق چه اقداماتی صورت گرفته است.

محمدحسین خورشیدی  
معاون دبیرخانه و مدیر ارزیابی و پیگیری هیات

## بسمه تعالی

شماره ۱۳۰۰/۵۴۶۵۰

تاریخ ۱۳۷۸/۸/۳

معاونت محترم دبیرخانه و مدیریت ارزیابی و پیگیری

هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

احتراماً، عطف به نامه شماره ۷۸۱۰۲۴/م مورخ ۱۳۷۸/۷/۱۰ با تشکر فراوان به خاطر عنایت ویژه «هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی» در زمینه چگونگی اجرای اصل ۲۹ و بند چهارم از اصل ۲۱ قانون اساسی در زمینه برخورداری آحاد مردم از حمایت‌های تأمین اجتماعی، به استحضار می‌رساند:

قبل از هر چیز لازم به یادآوری است که تأمین اجتماعی یکی از مهمترین و اساسی‌ترین پیش‌نیازهای هر برنامه توسعه در جوامع مختلف بوده و بدین جهت همواره در سرلوحه کار دولت‌ها قرار داشته و آرزوی آحاد مردم بوده است.

تأمین اجتماعی به عنوان یک کالای عمومی نمی‌تواند توسط افراد جامعه به طور مستقیم تولید شود بنابراین دولت‌ها ناگزیر هستند وظیفه ساماندهی و شکل‌دهی آن را از طریق بیمه‌ها و مشارکت‌های مردمی برعهده گیرند. نظر به این‌که در آستانه قرن بیست و یکم این باور وجود دارد که توسعه بدون تأمین اجتماعی نمی‌تواند معنا و مفهومی بنیادی و پایدار داشته باشد، توجه به این مقوله در کشور ما اهمیت بیشتری می‌یابد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، در اصول متعددی به این مهم پرداخته شده است و به خصوص اصل ۲۹ به صورتی ویژه بر این امر صراحت دارد. در این اصل چنین می‌خوانیم:

«برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی، دولت مکلف است طبق قوانین از درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.»



اما در پاسخ به این پرسش که برای تحقق این اصل مترقی اسلامی - انسانی چه اقداماتی صورت گرفته و اساساً متولیان امر کدام سازمان‌ها هستند، توضیحات مختصری لازم است:

فعالیت‌های تأمین اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران بر سه ساختار اصلی متمرکز است: راهبرد بیمه‌ای، (در مؤسساتی چون سازمان تأمین اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی کشوری و لشکری، سازمان بیمه خدمات درمانی)، راهبرد حمایتی، (در مؤسساتی چون سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی (ره)، بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان و جانبازان) و راهبرد امدادی (در مؤسساتی چون جمعیت هلال احمر، سازمان اوقاف، صندوق‌های قرض الحسنه و مؤسسات خیریه مردمی).

با آن‌که هر یک از مؤسسات و نهادهای فوق‌الذکر، منشاء کمک‌ها و خدماتی مهم و قابل ملاحظه بوده و هستند، اما از دیدگاه استقرار و پیشبرد یک نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی (موافق با متن و روح اصول مصرحه قانون اساسی)، دارای کارکردهایی متفاوت، ناهماهنگ و گاه غیرمکفی می‌باشند. به طور مثال سازمان تأمین اجتماعی، که بزرگترین و محوری‌ترین سازمان بیمه‌های اجتماعی در کشورمان محسوب می‌شود، از لحاظ کمی در حال حاضر بالغ بر ۵/۹ میلیون نفر نیروی مولد شهری را تحت پوشش دارد که عمدتاً از کارگران شریف‌اند و با احتساب خانواده‌های تحت تکفلشان رقمی بالغ بر ۲۵ میلیون نفر را تشکیل می‌دهند. در واقع چنانچه جمعیت کارکنان دولت و خانواده‌هایشان، نیروهای مسلح و خانواده‌هایشان و حدود ۲۰ صندوق کوچک و متوسط دیگر بیمه و بازنشستگی (نظیر شهرداریها، صدا و سیما، آینده‌ساز، جهاد سازندگی و...) را هم به حساب آوریم، در مجموع تنها حدود ۲۵ میلیون نفر از آحاد جامعه ایران تحت پوشش برخی خدمات اصلی بیمه‌های اجتماعی (یعنی بازنشستگی و خدمات درمانی) هستند. اما همچنان حدود نیمی از جمعیت، به ویژه روستاییان از پوشش چنین حمایت‌هایی (نظیر بازنشستگی، بیمه بیکاری، از کار افتادگی، غرامت دستمزد ایام بیماری و حتی بخش مهمی از آنان از خدمات بیمه‌های درمانی و...) برخوردار نمی‌باشند. بنابراین نمی‌توان از پوشش فراگیر تأمین اجتماعی و تحقق اصل

۲۹ قانون اساسی در حال حاضر سخنی به میان آورد. در واقع هرچند به طور مستمر و همه ساله مبالغی بسیار هنگفت صرف امور رفاه و تأمین اجتماعی در مفهوم کلی و متنوع آن می‌شود اما به لحاظ عدم هماهنگی و ناکارآمدی و به عبارت دیگر، به خاطر فقدان یک ساختار بسامان و جامع، و نبود یک مدیریت متمرکز بر منابع، که امکان سیاستگذاری و هدایت کلی و نظارت و ارزشیابی مستمر و جامع و هماهنگ را فراهم کند، هنوز چتر فراگیر تأمین اجتماعی بر سر آحاد مردم گشوده نیست. از این رو، طراحی یک نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، یعنی نظامی فراگیر که بتواند مجموعه‌هایی پراکنده را که هم‌اکنون در قلمرو تأمین اجتماعی مشغول خدمت هستند سامان داده و آن‌ها را از ساختار و کارکردی توسعه‌ای برخوردار سازد، به عنوان ضرورتی ملی مطرح می‌باشد.

تأکیدات مقام معظم رهبری به هنگام ابلاغ ساست‌های کلی برنامه سوم توسعه (در بخش اقتصادی) و دیدگاه‌های ریاست جمهوری مؤید حساسیت، اهمیت و ضرورت موضوع است. تحقق چنین نظامی مستلزم ساماندهی امور نهادها، سازمانها و موسسات در بخش‌های متنوع بیمه‌ای - حمایتی و امدادی در چارچوبی متناسب - در عین حفظ هویت مستقل هر کدام - می‌باشد.

خوشبختانه در این راستا پیش‌نویس «طرح نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی» از سوی سازمان تأمین اجتماعی بنا به توصیه‌ای که ریاست محترم جمهوری خطاب به این سازمان داشتند، پس از صدها ساعت تحقیق و بررسی کارشناسی با حضور اساتید و صاحب‌نظران تدوین گردید و طی فراخوانی عمومی از طریق رسانه‌های جمعی (در اوائل سال جاری) به نظرخواهی علاقه‌مندان گذارده شد و نهایتاً متن ویراسته و پیراسته نهایی آن تقدیم مراجع سیاستگذاری و دولت خدمتگزار گردید که در صورت عنایت کامل به آن می‌تواند زمینه عملیاتی شدن این نظام را فراهم نماید تا به دل‌های پریشان چشم‌های منتظر و دست‌های نیازمند میلیون‌ها انسان که خواهان برپایی نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی در ایران اسلامی هستند، پاسخ گفته شود.

امید است مجلس محترم شورای اسلامی در چارچوب بررسی لایحه برنامه پنجساله

سوم به این امر خطیر توجه کامل مبذول دارد تا با برپایی این نظام، کشور بتواند از ابزار و بستر لازم برای تحقق توسعه پایدار برخوردار شود و نیز یکی از اصول مترقی قانون اساسی و برنامه‌های توسعه کشور که همانا دست یافتن به نظام تأمین اجتماعی جامع، مطلوب، مکفی و بالنده است، تحقق یابد. انشاءالله بی‌شک، پیگیری و نظارت مؤثر آن هیأت محترم در این زمینه‌ها، می‌تواند موجبات تسریع تلاش‌های مجلس و دولت محترم را در مسیر احیای یکی از پایه‌ای‌ترین حقوق حقه آحاد مردم شریف ایران، فراهم سازد.

و من الله التوفیق

محمد ستاری فر

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل

شماره ۸۱-۳۵۹۶

تاریخ ۱۳۸۱/۴/۱۲

جناب آقای دکتر شریف زاهدگان  
مدیر عامل محترم سازمان تأمین اجتماعی

با سلام  
احتراماً، پیرو نامه شماره ۷۸-۸۷/م مورخ ۷۸/۵/۱۰ به مدیرعامل محترم و وقت  
جناب آقای ستاری فر در خصوص اصل ۲۹ و بند چهارم از اصل ۲۱ قانون اساسی و  
بازگشت به نامه شماره ۱۲۰/۵۲۶۵۰ مورخ ۷۸/۸/۳ آن سازمان، (تصویب پیوست)  
خواهشمند است دستور فرمایید این هیأت را از نتیجه اقدامات بعمل آمده مطلع نمایند.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور

و رئیس هیأت بیکگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

شماره ۷۴۰۰/۱۳۳۴۲

تاریخ ۱۳۸۱/۴/۳۱

جناب آقای حسین مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام و احترام

عطف به نامه شماره ۸۱-۳۵۹۶ مورخ ۸۱/۴/۱۲ ضمن تشکر از حساست هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی همانگونه که در نامه شماره ۱۳۰۰/۵۴۶۵۰ مورخ ۱۳۷۸/۸/۳ تأکید گردید فعالیت‌های تأمین اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران به سه ساختار اصلی متمرکز است:

راهبردهای بیمه‌ای (در مؤسساتی چون سازمان تأمین اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی کشوری و لشکری، سازمان بیمه خدمات درمانی)، راهبردهای حمایتی (در مؤسساتی چون سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی (ره)، بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان و جانبازان) و راهبرد امدادی (در مؤسساتی چون جمعیت هلال احمر، سازمان اوقاف، صندوق‌های قرض الحسنه و مؤسسات خیریه مردمی).

مجموعه سازمان تأمین اجتماعی نیز با پشتوانه سال‌ها تجربه ارزشمند و تلاش خستگی‌ناپذیر برای گسترش کمی و کیفی خدمات بیمه‌های اجتماعی در کشور همواره کوشیده است در مسیر آرمانی انقلاب اسلامی به سوی عدالت اجتماعی، این والاترین و ارزشمندترین آرمان نظام مقدس اسلامی، گام بردارد و برای تحقق این هدف هرآنچه در توان داشت، به کار برد.

در حال حاضر سازمان تأمین اجتماعی به عنوان سازمانی با ماهیت بیمه‌های اجتماعی همواره می‌کوشد تا در غیاب یک نظام کارآمد و جامع تأمین اجتماعی در کشور در حد امکان از طریق بهینه سازی منابع درآمدی و کنترل منطقی مصارف خود انتظارات برحق ۶/۲ میلیون نفر از اقشار مولد تحت پوشش را برآورده سازد و با گسترش پرشتاب و دور از انتظار به نقطه اتکایی مطمئن برای خانواده بزرگی تبدیل

شود که شمار اعضایش بیش از ۲۶ میلیون نفر بوده که این رقم ۴۰ درصد جمعیت کل کشور و ۶۶ درصد جمعیت شهرنشین را تشکیل می‌دهد.

سنجش و داوری درباره کیفیت کارکرد سازمان تأمین اجتماعی در طول این سال‌ها، تنها با نگاهی واقع‌بینانه به مجموعه امکانات و محدودیت‌های موجود ممکن خواهد بود این سازمان خدمات بیمه‌ای و درمانی خود را از طریق ۴۳۰ شعبه، ۷۰ بیمارستان اختصاصی، ۱۱ دی‌کلینیک، ۲۷۰ درمانگاه و واحد درمانی و ۴۰ هزار پزشک و واحد درمانی و تشخیص طبی طرف قرارداد به بیمه‌شدگان ارایه می‌نماید و در طول سال جاری بودجه‌ای بالغ بر ۲۱ هزار میلیارد ریال برای تأمین، تدارک و ارایه خدمات متنوع بیمه‌ای به بیمه‌شدگان پیش‌بینی کرده است که در مقایسه با سال قبل ۲۰ درصد رشد نشان می‌دهد. این سازمان در قالب تعهدات بلندمدت برای ۸۰۵ هزار خانوار مستمری‌بگیر تحت پوشش در سال جاری بودجه‌ای معادل ۹۲۰۰ میلیارد ریال پیش‌بینی کرده است که این میزان نسبت به سال قبل ۲۷ درصد رشد دارد. در قالب تعهدات کوتاه مدت نیز (شامل غرامت دستمزد ایام بیماری و بارداری، غرامت نقص عضو، کمک هزینه ازدواج، و سایر کمک‌های قانونی) ۲۱۰ میلیارد ریال اختصاص داده است که در مقایسه با سال ۱۳۸۰ رشدی حدود ۲۲ درصد را نشان می‌دهد.

همچنین سازمان تأمین اجتماعی به بیمه‌شدگانی که به صورت غیرارادی بیکار شده‌اند در سال ۱۳۸۰ بالغ بر ۸۰۰ میلیارد ریال مقرری بیمه بیکاری پرداخت نموده است که پیش‌بینی می‌شود این مبلغ در سال جاری به یک هزار میلیارد ریال برسد. لیکن هنوز چتر فراگیر تأمین اجتماعی بر سر آحاد مردم گشوده نشده است، زیرا در حال حاضر حدود ۲۵ میلیون نفر از آحاد جامعه ایران زیر پوشش خدمات بیمه‌های اجتماعی (نظیر صندوق تأمین اجتماعی، صندوق بازنشستگی کشوری، نیروهای مسلح و حدود ۲۰ صندوق کوچک و متوسط دیگر بیمه و بازنشستگی) هستند و حدود نیمی دیگر از جمعیت کشور از پوشش چنین حمایت‌هایی بی‌بهره می‌باشند از این رو طراحی یک نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی یعنی نظامی فراگیر که بتواند مجموعه‌هایی پراکنده را که هم‌اکنون در قلمرو تأمین اجتماعی مشغول خدمت هستند سامان داده و آن‌ها را از

ساختار و کارکرد توسعه‌ای برخوردار سازد، به عنوان ضرورتی ملی مطرح است. در این راستا و در اجرای ماده ۴ برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی پیشنهاد ساختار سازمانی نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور آرایه که کلیات این لایحه مبنی بر تشکیل وزارت رفاه و تأمین اجتماعی در جلسه اخیر دولت محترم تصویب گردیده است و بنظر می‌رسد بزودی لایحه مذکور جهت طی تشریفات قانونی به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردد.

طاهر موهبتی

معاون حقوقی و امور مجلس

بند ۳ اصل ۳ قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۷۸/۹۰۰

تاریخ ۱۳۷۸/۵/۲۴

جناب آقای مهندس هاشمی طباطبائی  
ریاست محترم سازمان تربیت بدنی

با سلام

احتراماً با توجه به این که در بند ۳ اصل سوم قانون اساسی تربیت بدنی به طور رایگان و برای همه در نظر گرفته شده است، مستدعی است به استناد اصل ۱۱۳ قانون اساسی و ماده ۱۴ «قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران» دستور فرمایید در خصوص چگونگی اجرای صحیح این اصل توضیحات لازم به این هیأت ارسال شود.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی



بسمه تعالی

شماره ۷۸/۴۲۹۹

تاریخ ۱۳۷۸/۶/۱۴

برادرگرامی جناب آقای حسین مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

سلام علیکم

احتراماً، بازگشت به نامه شماره ۷۸۹۰۰/م مورخ ۱۳۷۸/۵/۲۴ به استحضار می‌رساند:

با عنایت به این‌که اصل سوم قانون اساسی یکی از اصول مترقی است که اجرای کامل آن تحقق هرچه بیشتر عدالت اجتماعی را عینیت می‌بخشد فلذا سازمان تربیت بدنی همواره شایق و متعهد بوده است که جهت اجرای کامل بند ۳ اصل سوم قانون اساسی در رابطه با تربیت بدنی رایگان برای همه به یکی از اهداف سازمان که تعمیم و گسترش ورزش در کلیه سطوح جامعه است برسد و در این راستا با توجه به کمبود امکانات و نقصان‌ها مبادرت به احداث اماکن ورزشی بمنظور استفاده عموم مردم در کلیه نقاط کشور نموده لیکن هنوز تا سطح سرانه ورزشی قابل قبول فاصله وجود دارد نتیجه این‌که چنانچه مصمم به تکمیل امکانات ورزشی در سطح کشور باشیم تا بتوانیم به رایگان خدمات ورزشی را به همه ارایه دهیم می‌باید با همفکری و هماهنگی، جدیت و تلاش افزون‌تر دستگاه‌های اجرایی و قانون‌گذاری را برای کمک به ایجاد ابزارهای لازم و امکانات بیشتر و نهایتاً ارایه خدمات رایگان سوق داد زیرا هم‌اکنون علیرغم فعالیت گسترده و صرف هزینه‌های کلان در احداث و ایجاد اماکن و مستحقات ورزشی هنوز امکانات کافی که بتواند پاسخگوی نیازهای مردمی باشد در اختیار نداریم. درخور توجه است که با اعتبارات دولتی حتی نمی‌توانیم هزینه‌های نگهداری تأسیسات و ساختمان‌های ورزشی ایجاد شده را تأمین نماییم تا قادر به برنامه‌ریزی جهت ارایه خدمات رایگان ورزشی برای همه باشیم. لذا ایجاد و تدوین قوانین مربوط به اجاره اماکن ورزشی بمنظور کسب درآمد مؤید و مبین این مشکلات است. ضمن این‌که تاکنون

مجلس محترم شورای اسلامی نیز نسبت به بند ۳ اصل سوم قانون اساسی و تدوین قوانین و مقررات و پیش‌بینی ابزارهای لازم و حدود و ثغور آن در رابطه با تربیت بدنی رایگان برای همه نیز مصوبه‌ای نداشته است.

سیدمصطفی هاشمی طباطبائی

بسمه تعالی

شماره ۸۱-۳۵۹۵

تاریخ ۱۳۸۱/۴/۱۲

جناب آقای مهندس مهرعلیزاده  
ریاست محترم سازمان تربیت بدنی

با سلام

پیرو نامه شماره ۷۸-۹۰ مورخ ۷۸/۵/۲۴ به ریاست محترم وقت آن سازمان جناب آقای هاشمی طباطبائی موضوع بند ۳ اصل سوم قانون اساسی و بازگشت به نامه شماره ۱/۸/۴۳۹۹ مورخ ۷۸/۶/۱۴ آن سازمان، (تصویر پیوست) خواهشمند است دستور فرمایید برنامه آن سازمان در تحقق اصل یاد شده را به این هیأت اعلام نمایند.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و

رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

شماره ۱۰۳۹۶

تاریخ ۱۳۸۱/۱۰/۱۷

جناب آقای مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

بازگشت به نامه شماره ۸۱/۳۷۹۴ مورخ ۱۳۸۱/۷/۲۷ در خصوص بند ۳ اصل سوم قانون اساسی، همان طوری که استحضار دارند تحقق اصل مزبور موجب استقرار بیش از پیش عدالت اجتماعی می گردد. بنابراین سازمان تربیت بدنی همواره شایق و متعهد بوده است تا با اجرای کامل اصل یاد شده به یکی از اساسی ترین اهداف سازمان که همانا توسعه و گسترش امر ورزش در کلیه سطوح جامعه است نایل گردد. در این راستا، سازمان تربیت بدنی علیرغم کمبود شدید امکانات و اعتبارات، مبادرت به احداث و توسعه اماکن ورزشی در سطح کشور نموده و توانسته است طی پنج سال گذشته، سطح سرانه اماکن ورزشی را از ۰/۲۴۸ متر مربع به ۰/۴۵ متر مربع ارتقاء دهد که البته تا سطح سرانه ورزشی مطلوب، هنوز فاصله معنی داری وجود دارد.

این سازمان با تأکید اساسی بر توسعه اماکن ورزشی و افزایش امکانات جهت بهره برداری رایگان آحاد مردم از خدمات ورزشی؛ در سال گذشته، سازماندهی و مهندسی مجدد ساختار تشکیلاتی خود را با رویکرد مورد اشاره، به عنوان یک گام اساسی در دستور کار قرار داد و با جلب موافقت سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور نسبت به ایجاد «معاونت طرح و توسعه» اقدام نمود. سپس راهبرد تکمیل فضاها و اماکن ورزشی نیمه تمام به عنوان مهمترین مأموریت سازمان و وظیفه معاونت یاد شده تعیین و ابلاغ گردید و مقرر شد تمام اجزای سازمان در جهت تقویت اعتبارات عمرانی و حسن اجرای راهبرد مذکور قرار گیرند. براساس آخرین جمع آوری های اطلاعاتی، در حال حاضر ۲۳۶۹ مکان ورزشی در دست ساخت در سطح کشور وجود دارد که برای تکمیل آن ها ۵ هزار میلیارد ریال اعتبار مورد نیاز می باشد در حالی که با تمرکز این سازمان بر

افزایش اعتبارات عمرانی و با توجه به رشد نسبتاً مناسب (در مقایسه با رشد متوسط اعتبارات دولت) بمیزان ۱۱۵ درصد در سال ۱۳۸۲، جمع اعتبارات ملی این سازمان برای سال آینده، تنها حدود ۴۳۰ میلیارد ریال تعیین گردیده است که تکافوی امر را نمی‌نماید. بنابراین می‌توان اینطور استنتاج نمود که با اعتبارات دولتی حتی نمی‌توان هزینه‌های نگهداری تأسیسات و ساختمان‌های ورزشی ایجاد شده را تأمین نمود و این در حالی است که حتی در صورت تکمیل و بهره‌برداری کلیه اماکن و مستحدثات در دست ساخت نیز تا سطح سرانه استاندارد فاصله وجود دارد و از سوی دیگر متناسب با رشد تعداد اماکن ورزشی، هزینه‌های نگهداری و بهره‌برداری نیز افزایش چشمگیری خواهند یافت. نتیجه این‌که احداث اماکن و فضاهای ورزشی، فراهم نمودن امکانات و تجهیزات لازم و بهره‌برداری مطلوب از آن‌ها به منظور تحقق اصل یاد شده، نیازمند عزم ملی و همچنین مشارکت و اهتمام جدی و مؤثر کلیه سازمان‌ها و دستگاه‌های کشور اعم از دستگاه‌های اجرایی و قانون‌گذاری می‌باشد و این مهم آن‌جا نقش بارزتری می‌یابد که به مقوله ورزش به عنوان یک فعالیت اجتماعی چند کارکردی امعان نظر گردیده و به تأثیرات آن بر استقرار امنیت و اقتدار ملی، تأمین اجتماعی و بهداشت جسمی - روانی، کاهش ناهنجاری‌ها و مفاسد اجتماعی به ویژه کاهش گرایش به پدیده شوم اعتیاد، بهسازی فضای فرهنگی - اجتماعی جامعه، سالم‌سازی محیط انسانی، توسعه ارتباطات بین‌المللی و تفاهم بین ملت‌ها و تمدن‌ها و افتخار آفرینی در عرصه‌های بین‌المللی، عنایت ویژه مبذول گردد.

سازمان تربیت بدنی با چشم‌انداز موصوف و ضمن تلاش همه جانبه در ارتباط با تحقق موارد پیش گفته، به عنوان یک راد کار مؤثر و عملی در سالجاری نسبت به طراحی یک تبصره اعتباری با ابعاد مؤثر و فراگیر با مضمون (اجازده به دستگاه‌های اجرایی مشمول ماده ۲۲ قانون برنامه سوم توسعه کشور جهت اختصاص ۱٪ از اعتبارات خود برای انجام امور مربوط به تربیت بدنی و ورزش) نیز اقدام نمود که پس از هماهنگی‌های گسترده، در دولت محترم نیز به تأیید رسیده و به تبصره‌های بودجه سال ۱۳۸۲ کل کشور الحاق گردید که امید است با همکاری نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی به

تصویب نهایی رسیده و به مورد اجرا گذاشته شود.

در خاتمه لازم به ذکر است تدوین طرح جامع ورزش کشور که در راستای راهکارهای اجرایی قانون برنامه سوم توسعه کشور صورت می‌پذیرد و مورد تأکید جدی ریاست محترم جمهوری است، مراحل پایانی را طی می‌کند و موضوع تدوین برنامه‌ها و ارایه روش‌های عملی در راستای تحقق بند ۲ اصل سوم قانون اساسی موضوعات اصلی مطروحه در تدوین طرح می‌باشد، ضمن این‌که یادآوری می‌نماید تاکنون مجلس شورای اسلامی نیز در خصوص بند ۲ اصل سوم قانون اساسی و تدوین قوانین و مقررات و پیش‌بینی ابزارهای لازم برای تحقق آن، مصوبه‌ای نداشته است.

محسن مهرعلیزاده

معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان

بسمه تعالی

شماره ۸۱-۹۷۳۷

تاریخ ۱۳۸۱/۱۱/۱۳

جناب آقای دکتر مهرپور  
ریس محترم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

یا سلام

نامه شماره ۸۱-۳۹۶۱ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۵ و ضمیمه آن در مورد اقدامات انجام شده توسط سازمان تربیت بدنی برای اجرای بند ۲ اصل سوم قانون اساسی، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«جناب آقای دکتر مهرپور  
ضمن تشکر از تذکری که برای اجرای قانون اساسی به دستگاههای مختلف از جمله اجرایی داده می شود و لزوم جدی گرفتن تذکر از سوی دستگاهها، واقعاً باید کمبود امکانات برای تحقق خیلی از اصول را از ناکارداشی و بی تدبیری و تعطل و تخلف جدا کرد. آرماتهای بلندی در قانون اساسی است که البته همه باید در جهت رسیدن به آن بکوشیم ولی تمهید مقدمات و فراهم آمدن امکانات هم لازم است. به نظر من کارهای درخور توجهی هم در بخش های مختلف شده است از جمله تربیت بدنی و به خصوص برنامه های خوبی که جناب آقای مهرعلیزاده دارند. گرچه هنوز تا رسیدن به مقصد فاصله زیادی داریم، لازم است دستگاه های مختلف هم در حد توان کمک لازم را به متصدیان برای رسیدن به اهداف و تحقق مقاصد قانون اساسی انجام دهند. به هرحال گزارش های این امور به مردم هم مفید است.»

سیدعلی خاتمی

## اصل ۱۵ قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۷۸-۸۹۹

تاریخ ۱۳۷۸/۵/۲۴

جناب آقای مظفر

وزیر محترم آموزش و پرورش

با سلام

احتراماً با توجه به شکواییه‌های واصله به دبیرخانه این هیأت در خصوص عدم اجرای مفاد اصل ۱۵ قانون اساسی (مربوط به تدریس ادبیات زبان‌های محلی و قومی در مدارس استان‌های مختلف)، خواهشمند است به استناد اصل ۱۱۳ قانون اساسی و ماده ۱۴ از «قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران» دستور فرمایید در مورد چگونگی اجرای صحیح این اصل توضیحات لازم و کافی به این هیأت اعلام شود.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی



شماره ۱۴۰/۹۶۸

تاریخ ۱۳۷۸/۷/۱۰

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیکری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

احتراماً پاسخ به نامه ۸۹۹-۷۸/م مورخ ۷۸/۵/۲۴ مراتب زیر به استحضار می‌رسد:

۱- در ماده ۱۵ قانون اساسی در مورد زبان‌های محلی و قومی آمده است:  
«استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است»  
لازم به ذکر است قانون اساسی تکلیفی را برای وزارت آموزش و پرورش برای تدریس ادبیات محلی و قومی تعیین ننموده است لکن تدریس ادبیات اقوام مختلف را آزاد دانسته است.

۲- تعیین سیاست در مورد چگونگی اعمال قانون با در نظر گرفتن مصالح ملی نیاز به بررسی مسأله در شورای عالی انقلاب فرهنگی دارد. آموزش و پرورش مجری سیاست‌های تعیین شده توسط آن شورا خواهد بود.

در صورت تحقق بند دو این وزارت مشکلی جهت برنامه‌ریزی و اجرای ماده ۱۵ قانون اساسی نخواهد داشت.

۳- این مسأله در تاریخ ۷۶/۸/۱۹ به شماره ۵۳۷۸-۷۶/م از دفتر رییس جمهور به این وزارتخانه منعکس گردید که طی شماره ۱۳۹۴/م مورخ ۷۶/۹/۱۲ پاسخ داده شد و ریاست محترم جمهوری در پی نوشت خود به شماره ۷۶/۶/۱۵۸ مورخ ۷۶/۱۰/۹ جناب آقای دکتر معین را مسئول تهیه طرحی با مشارکت دستگاه‌های ذیربط جهت طرح در شورای عالی انقلاب فرهنگی نمودند.

رزانشان

مشاور آموزشی وزیر

شماره ۸۱-۳۵۹۷

تاریخ ۱۳۸۱/۴/۱۱

جناب آقای حاجی  
وزیر محترم آموزش و پرورش

با سلام

احتراماً، پیرو نامه شماره ۷۸/۸۹۹-م مورخ ۷۸/۵/۲۴ به وزیر محترم وقت جناب آقای مظفر، موضوع اصل ۱۵ قانون اساسی و بازگشت به نامه شماره ۱۴۰/م/۹۶۸ مورخ ۷۸/۷/۱۰ آن وزارتخانه (تصویر پیوست) خواهشمند است دستور فرمایید در خصوص بند ۳ نامه مذکور این هیأت را از نتیجه اقدامات بعمل آمده مطلع نمایند.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

شماره ۱۴۰/۲۱۵۷

تاریخ ۱۳۸۱/۶/۱۸

برادر گرامی جناب آقای مهرپور  
مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام و احترام

بازگشت به نامه شماره ۸۱-۳۵۹۷ مورخ ۱۳۸۱/۴/۱۲ در خصوص پیگیری اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی به استحضار می‌رساند:

اصل مذکور الزامی را برای وزارت آموزش و پرورش و دولت در مورد تدریس ادبیات محلی و قومی ایجاد ننموده و قانونی هم برای این منظور تصویب و ابلاغ نشده است. بلکه موضوع اختیاری است. ضمناً بنا به مأموریتی که آقای رییس‌جمهور تعیین کرده‌اند موضوع در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح و در حال رسیدگی و اتخاذ تصمیم است.

اضافه می‌نمایم که تدریس ۲ واحد اختیاری زبان و ادبیات قومی در دبیرستانها در شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب رسیده است که پس از تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی قابل اجرا خواهد بود.

بنابراین مقرر فرمایید موضوع مطروحه از طریق شورای عالی انقلاب فرهنگی پیگیری گردد.

مرتضی حاجی

شماره ۸۱-۳۵۹۳  
تاریخ ۱۳۸۱/۴/۱۲

جناب آقای مسجد جامعی  
وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی

با سلام  
با توجه به اصل ۱۱۳ قانون اساسی و مسؤلیت رئیس‌جمهور، خواهشمند است دستور فرمایید وضعیت استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات، موضوع اصل ۱۵ قانون اساسی، و چگونگی اجرای این قسمت از اصل مزبور برای این هیأت ارسال گردد.

حسین مهرپور

مشاور رئیس‌جمهور و

رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

شماره ۱۰۲/۶۴۱

تاریخ ۱۳۸۲/۳/۱۲

جناب آقای مهربور  
مشاور محترم رئیس جمهور و رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

بازگشت به نامه شماره ۸۱-۲۵۹۳ مورخ ۱۳۸۱/۲/۱۲ با استحضار می‌رساند:  
۱- نظر باینکه اصل ۱۵ قانون اساسی، تکلیفی اجرایی برای دستگاه‌های دولتی منظور ننموده است این وزارتخانه از اصل فوق‌الذکر چنین استنباط می‌نماید که دستگاه‌های اجرایی دولت مانع تحقق از خواست آحاد ملت در اجرای اصل مذکور نشوند.

۲- با توجه به بررسی اسناد و مدارک موجود، این وزارتخانه تاکنون مانع و رادعی در اجرای خواسته مبتنی بر مفاد اصل فوق‌الذکر از سوی عموم مردم ایران ایجاد ننموده است.

۳- جهت تسهیل در نیل به اهداف مذکور در اصل یاد شده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تاکنون مجوز انتشار نشریاتی به شرح پیوست را صادر نموده است.

در پایان لازم به ذکر می‌باشد این وزارتخانه آماده همکاری افزودنی با آن هیأت محترم در تسهیل بیشتر و نیل به هدف مقصود مذکور در اصل فوق‌الذکر است.

سیدعلی موسوی بجنوردی  
مدیرکل دفتر حقوقی

## اصل ۱۳۹ قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۷۸-۱۰۰۴

تاریخ ۱۳۷۸/۶/۳۰

جناب آقای دکتر افتخار جهرمی

مشاور محترم رییس جمهور و سرپرست دفتر خدمات حقوقی بین المللی

با سلام

احتراماً، نظر به این که هماهنگی و انجام خدمات حقوقی در خصوص دعاوی مطروحه وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی با طرف خارجی بعهده آن دفتر بوده و طبیعتاً در جریان کم و کیف این دعاوی نیز می‌باشد، لذا خواهشمند است به استناد اصل ۱۱۳ قانون اساسی و مواد ۱۲ و ۱۴ قانون «تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران» دستور فرمایید نحوه اجرا و مراعات مفاد اصل ۱۳۹ قانون اساسی و همچنین موارد احتمالی نقض اصل مذکور از سوی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی را، جهت بررسی به این هیأت اعلام نمایند.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

شماره ۲۰۰/۱۶۶۹

تاریخ ۱۳۷۸/۸/۲۹

جناب آقای دکتر مهرپور

ریاست محترم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

موضوع: اصل ۱۳۹ قانون اساسی

با سلام

عطف به نامه شماره ۱۰۰۴-۷۸/م مورخ ۱۳۷۸/۶/۳۰ مراتب زیر را به اطلاع می‌رساند. نامه مذکور متضمن دو پرسش است. اول نحوه اجرای اصل ۱۳۹ قانون اساسی و دوم موارد احتمالی نقض آن توسط دستگاه‌های دولتی، که به همین ترتیب و در حدود اطلاعات موجود در این دفتر، پاسخ داده می‌شود.

#### اول. نحوه اجرای اصل ۱۳۹ قانون اساسی

۱- پس از تصویب قانون اساسی، مفاد اصل ۱۳۹ آن همواره مورد سؤال بوده و اجرای آن دشواریهایی را برای دستگاه‌های دولتی در پی داشته است. توضیح و تفسیر مفاد حکم مقرر در اصل ۱۳۹ و قلمرو آن بارها از شورای نگهبان استعلام شده، لکن شورای نگهبان اعلام کرده در این مورد به نظر تفسیری نرسیده است و در یکی دو مورد هم که بصورت مصداقی از آن شورا استعلام شده، پاسخ شورای نگهبان اجمالاً حاکی از آن است که مادام که مغایرت مورد با قانون اساسی احراز نشده اجرای مفاد قراردادی مقدم بر قانون اساسی منجمله اجرای شرط داوری آن‌ها، بلامانع است.

۲- چنانکه استحضار دارند حکم مقرر در اصل ۱۳۹ (لزوم اخذ مجوز) شامل دو موضوع است: صلح دعاوی - ارجاع دعاوی به داوری. اما سئوالاتی که پیرامون اصل مذکور مطرح شده بیشتر ناظر به «ارجاع به داوری» بوده است. علاوه بر این، مفهوم دائر مدار حکم مذکور در اصل ۱۳۹ یعنی «اموال عمومی و دولتی» نیز به نوبه خود گاه مورد

سؤال واقع شده است. به هر حال، اهم ابهام‌ها و سئوالاتی را که حول اصل ۱۳۹ قانون اساسی مطرح شده می‌توان به شرح زیر طبقه‌بندی و خلاصه کرد.

الف - آیا اثر اصل ۱۳۹ ناظر به آینده است یا شامل قراردادهایی که قبل از انقلاب و مقدم بر تصویب قانون اساسی منعقد شده و دارای شرط داوری است نیز می‌شود.

ب - آیا مقصود از «ارجاع به داوری» آن است که برای طرح دعوی و تسلیم دادخواست به مرجع داوری (به عنوان خواهان) باید مجوز اخذ شود، یا اگر یک دستگاه دولتی ایرانی خواننده دعوی قرار گیرد برای پاسخگویی و دفاع در مقابل دعوی نیز مکلف است مجوز بگیرد.

ج - آیا منظور از «ارجاع به داوری»، صرف درج شرط داوری در قرارداد است به عبارت دیگر آیا در مرحله انعقاد و امضای قرارداد باید حسب مورد، از هیأت وزیران یا مجلس مجوز اخذ گردد، یا صرف درج شرط داوری نیاز به مجوز ندارد بلکه در مرحله اجرای مفاد این شرط، یعنی در مرحله مراجعه عملی به داوری (اعم از تسلیم دادخواست به مرجع داوری، یا دفاع در برابر دعوی مطروحه در داوری که در بند «ب» اشاره شد) باید به هیأت وزیران یا مجلس مراجعه و مجوز گرفته شود.

د - مقصود از واژه «دعوی» در عبارت «صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری» چیست؟ آیا منحصر است به معنای اصطلاحی و مضیق آن یعنی دعوی مطروحه در مرجع قضایی صالح یا داوری که در حین رسیدگی و تا قبل از صدور حکم صلح آن مطرح می‌گردد یا ارجاع آن از مرجع قضایی به داوری پیش می‌آید؛ یا ناظر به معنای عام و موسع واژه «دعوی» است، یعنی هرگونه ادعا، اختلاف، منازعه، مرافعه و دعوی اعم از این که در مرجع قضایی یا داوری مطرح شده یا نشده باشد.

ه - آیا مقصود از «اموال عمومی و دولتی» چیست و برای تعیین مصادیق آن مراجعه به ضوابط مقرر در قانون محاسبات کافی است، یا معنای اعم و موسع‌تری دارد. به عنوان مثال آیا اموال شرکت‌های دولتی و بانک‌ها نیز مشمول عنوان مذکور می‌باشد یا



خیر. (در این مورد خاص، شورای نگهبان طی نظریه تفسیری شماره ۵۶۰۶ مورخ ۱۳۷۲/۹/۱۷ اعلام کرده اموال شرکت‌های دولتی داخل در مفهوم اصل ۱۳۹ قانون اساسی است).

و- منظور از صلح دعوی چیست. آیا اگر در دعوایی تسویه حساب گردد و حقوق مسلم طرف ایرانی وصول یا بدهی‌های مسلم او پرداخت شود و دعوی مختومه گردد یا قبل از طرح دعوی چنین شود، باز هم مصداق صلح دعوی است و مجوز لازم دارد، یا خیر.

۲- همان‌طور که اشاره شد، تابحال شورای نگهبان تفسیر عمومی و کلی درباره حکم مقرر در اصل ۱۳۹ و نحوه اجرا و دامنه شمول آن ارایه نکرده و اعلام نموده که شورا به نظر تفسیری نرسیداند اما این امر مانع از دشواری‌های عملی نشده و دستگاه‌های دولتی که در دعاوی بین‌المللی درگیر بوده‌اند در جریان کار با مشکل اصل ۱۳۹ قانون اساسی مواجه بوده‌اند که به نمونه‌های آن اشاره می‌شود.

الف - با توجه به این‌که در بسیاری از دعاوی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی له و علیه دستگاه‌های دولتی مطرح شده، شرط داوری وجود داشته لذا دستگاه دولتی ذریبط ناگزیر بوده برای حفظ و صیانت از حقوق و منافع دولت یا برای جلوگیری از اضرار و تضییع حق، علیه طرف مقابل (داخلی یا خارجی) در مرجع داوری طرح دعوی نماید یا به دعوی مطروحه در داوری علیه خود پاسخ دهد و دفاع نماید، و به هر حال نمی‌توانسته دعوی را بلادفاع رها کند. در این قبیل موارد لامحاله مسأله اصل ۱۳۹ قانون اساسی مطرح شده و دستگاه‌های دولتی هم به مشاورین حقوقی یا دفاتر حقوقی متبوعه خود یا به دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی مراجعه و با کسب نظر از ایشان اقدام کرده است.

ب - در بسیاری از دعاوی مطروحه در دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده (لاسه) که اصحاب دعوی از طریق مذاکره و توافق دعاوی فیما بین را حل و فصل کرده‌اند و دعوی مربوط براساس همین توافق اصحاب دعوی تسویه و مختومه شده است، باز

مسأله شمول یا عدم شمول اصل ۱۳۹ از حیث این که آیا این شیوه حل و فصل و تسویه اختلافات مصداق صلح دعوی هست یا نه، مطرح شده که دفتر خدمات با بررسی جوانب و اطراف امر در خصوص مورد اظهار نظر نموده و بر همان اساس عمل شده است.

۴- به هر حال، هر چند تفسیر قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان است، اما در غیاب هرگونه اظهار نظر صریح یا تفسیر رسمی اصل ۱۳۹ توسط شورای نگهبان، آنچه از مجموع عملکرد دستگاه‌های دولتی در مورد نحوه اجرای این اصل در طول سال‌های گذشته بدست می‌آید و مؤید به تأیید و نظر حقوقدانان و مشاورین ذیربط نیز می‌باشد، به شرح زیر است که در واقع پاسخ به همان سؤالاتی است که در بند ۲ این نامه طرح شد. الف - اصل ۱۳۹ قانون اساسی ناظر به آینده است. بنابراین در قراردادهایی که قبل از تصویب قانون اساسی منعقد شده اجرای شرط داوری و مراجعه به مرجع به داوری مربوط، نیازی به اخذ مجوز از هیأت وزیران یا مجلس (حسب مورد) ندارد و می‌توان مطابق مفاد قرارداد اقدام کرد. معذک، مواردی وجود دارد که دستگاه دولتی ذیربط برای شروع داوری مبتنی بر قراردادی که قبل از انقلاب منعقد شده به هیأت وزیران یا مجلس مراجعه و درخواست مجوز کرده است.

ب - در مواردی که دستگاه دولتی در مرجع داوری خواننده دعوی قرار می‌گیرد، باید وفق مقررات در قبال آن دفاع کند و از حقوق و منافع دولت صیانت نماید و برای دفاع در قبال دعوی نیازی به اخذ مجوز موضوع اصل ۱۳۹ قانون اساسی نیست.

ج - در مورد قراردادهایی که پس از تصویب قانون اساسی منعقد شده یا می‌شوند، درج شرط داوری در مرحله انعقاد قرارداد موکول به رعایت مفاد اصل ۱۳۹ قانون اساسی است و در صورتی که به دلایلی از قبیل فوریت امر و ضیق وقت عجالاً اخذ مجوز در این مرحله ممکن نباشد، در متن شرط داوری باید ذکر شود «با رعایت مقررات قانون» تا چنانچه در آینده مراجعه به داوری ضرورت یافت، مجوزهای لازم اخذ شود.

د - مقصود از واژه «دعوی» در اصل ۱۳۹ اعم از دعوایی است که در محکمه یا مرجع داوری مطرح شده یا نشده باشد.

هـ- مفهوم اموال عمومی و دولتی همان است که در قانون محاسبات عمومی و سایر قوانین آمده است، و ارجاع دعوی راجع به این قبیل اموال به داور یا صلح آن موکول به رعایت اصل ۱۳۹ قانون اساسی است.

و- مسلماً باید بین صلح دعوی و تسویه حساب فرق گذاشت. به این معنی که هرگاه نتیجه توافق طرفین برای ختم دعوی (اعم از این که در مرجع صالح طرح شده یا نشده باشد) آن باشد که دستگاه دولتی ایرانی از حقی از حقوق دولت بگذرد و آنرا به معنای اخص کلمه صلح نماید، طبیعاً باید مجوز لازم را از هیأت وزیران یا مجلس اخذ نماید. لکن هرگاه نتیجه توافق و سازش طرفین آن باشد که تمام حقوق دستگاه دولتی ذیربط وصول و ایصال گردد یا بدهی‌های او به طرف مقابل (اعم از داخلی یا خارجی) پرداخت و تسویه گردد، موضوع منصرف از عنوان صلح است و ربطی به اصل ۱۳۹ ندارد. به عنوان مثال اگر در دعوی که یک دستگاه دولتی علیه یک طرف خارجی مطرح نموده مبلغ یک میلیون دلار به عنوان طلب مسلم خود مطالبه کرده باشد و طرف خارجی در اثنای رسیدگی در دادگاه یا داور اعلام کند حاضر است این خواسته یک میلیون دلاری را بپردازد و بر همین اساس موافقتنامه‌ای تنظیم و پرونده مختومه شود، مشمول عنوان صلح دعوی نیست و نیازی به مجوز مجلس ندارد زیرا از حقی از حقوق دولت گذشت نشده است بلکه تسویه حساب است. اما اگر در همین مثال، در ازای دریافت ۹۰۰ هزار دلار، با ختم دعوی توافق شود و دستگاه دولتی (مدعی) از دریافت ۱۰۰ هزار دلار بقیه گذشت و انصراف نماید، صلح دعوی مصداق می‌یابد و محتاج مجوز می‌باشد. بهمین منوال است پرداخت بدهی دستگاه دولتی ذیربط به یک طلبکار داخلی یا خارجی (مدعی) در حین دعوی که علیه دستگاه دولتی مذکور طرح کرده و موافقت با ختم دعوی او، که چون بصورت تسویه حساب انجام می‌شود لذا موضوعاً خارج از عنوان صلح است و نیازی به مجوز مجلس نیست.

بدیهی است چنانکه وصول حقوق دولت یا پرداخت بدهی او بدون گذشت از حقوق مسلم دولت قبل از طرح دعوی نزد مرجع صالح (اعم از دادگاه یا داور) انجام شود نیز، مصداق تسویه حساب است و نه صلح دعوی و در نتیجه نیازی به مجوز موضوع اصل ۱۳۹ قانون اساسی نیست.

ز. در مورد دعاوی مطروحه در دیوان داوری ایران - ایالات متحده، نظر به این که موافقتنامه بین طرفین دعوی بصورت رأی داوری از دیوان صادر می شود بنابراین نیازی به اخذ مجوز جداگانه از مجلس نیست، زیرا مجلس طی ماده واحده مورخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۵ اجازه حل و فصل اختلافات و دعاوی با ایالات متحده از طریق داوری را داده است و همین اذن قانونی برای حل و فصل دعاوی مطروحه در دیوان از طریق سازش که در چارچوب دیوان انجام می شود نیز کفایت می کند، کمالین که تا بحال بهمین نحو عمل شده است.

۵. در مورد روش عملی اخذ مجوز موضوع اصل ۱۳۹ از هیأت وزیران، یادآوری می کند که هیأت وزیران طی تصویبنامه شماره ۲۹۳۰۳ ت ه مورخ ۱۳۷۷/۵/۷ مقرر نموده در مواردی که دستگاه های دولتی نیازی به مجوز موضوع اصل ۱۳۹ دارند، مراتب در کمیسیون اقتصادی هیأت دولت مطرح و با حضور وزیر ذیربط بررسی و تصمیم گیری شود. در مواردی که اخذ مجوز از مجلس لازم باشد روش کار خاصی بجز رویه متداول، پیش بینی نشده است.

#### دوم. موارد احتمالی نقض اصل ۱۳۹ قانون اساسی

ع قبل از ورود به پاسخ خاطر نشان می کند که چون این دفتر در جریان دعاوی داخلی دستگاه های دولتی قرار نمی گیرد، در نتیجه نمی تواند اظهار نظر کند که آیا هنگام صلح احتمالی این قبیل دعاوی یا ارجاع آن ها به داوری مفاد اصل ۱۳۹ به درستی رعایت می شود یا نه. لکن تا جایی که به دعاوی بین المللی دستگاه های دولتی مربوط می شود یادآوری می کند که همان طور که قبلاً اشاره شد اصل ۱۳۹ قانون حاوی دو مطلب است: صلح دعاوی - ارجاع آن ها به داوری، در مواردی که دعوی متضمن اموال عمومی و دولتی باشد. در مورد نقض احتمالی اصل ۱۳۹ از حیث «صلح دعاوی» تا آن جا که اطلاع حاصل است در مواردی که دعاوی بین المللی در بیرون از مرجع رسیدگی (قضایی یا داوری) حل و فصل و مختومه شده، نمونه ای که احیاناً مشمول عنوان «صلح دعوی» بوده و محتاج مجوز اصل ۱۳۹ باشد تا بحال گزارش و مشاهده نشده است.

۷- در مورد نقض احتمالی اصل ۱۲۹ از حیث «ارجاع به داوری» باید بین قراردادهایی که قبل از تصویب قانون اساسی منعقد گردیده و آن‌ها که پس از قانون اساسی منعقد شده یا می‌شود، قائل به تفکیک شد. در مورد مراجعه به داوری در رابطه با قراردادهای منعقد قبل از تصویب قانون اساسی، نیازی به اخذ مجوز اصل ۱۲۹ قانون اساسی نیست (رک. بند ۱ این نامه) لکن در خصوص ارجاع به داوری در مورد دعاوی و اختلافات ناشی از قراردادهای موخر بر تصویب قانون اساسی خاطر نشان می‌سازد که گرچه این دفتر در جریان انعقاد همه قراردادهای بین‌المللی که دستگاه‌های دولتی منعقد می‌کنند نیست تا بتواند مفاد آن‌ها را بررسی کند و ببیند آیا حاوی شرط داوری هست یا نه، و اگر هست آیا مجوز لازم اخذ شده یا نه، اما به طوری که از رویه عملی دستگاه‌های دولتی برمی‌آید شیوه کار (از حیث ارجاع به داوری) آن است که چون طرف‌های خارجی معمولاً صلاحیت محاکم داخلی ایران را نمی‌پذیرند و دستگاه‌های دولتی هم متقابلاً حاضر نیستند به صلاحیت محاکم کشور طرف خارجی یا حتی محاکم خارجی کشور ثالث تن دهند، تنها راه حل ممکن برای حل و فصل اختلافات احتمالی و آتی ناشی از قرارداد آن است که به داوری مراجعه شود. از طرفی، مراجعه به مجلس برای اخذ مجوز ارجاع به داوری در مرحله انعقاد قرارداد به لحاظ حجم فوق‌العاده‌ای از کار که برای مجلس ایجاد خواهد کرد، عملی نیست علیهذا اغلب در شرط داوری قید می‌شود «با رعایت قانون» یا «با رعایت مقررات ذیربط» یا «با رعایت مفاد اصل ۱۲۹ قانون اساسی». اما موارد زیادی هم پیش می‌آید که درج این قید مورد قبول طرف خارجی قرار نمی‌گیرد و شرط داوری مشروط یا معلق را نمی‌پذیرند و در نتیجه به جای داوری، مراجع قضایی کشور ثالث به عنوان مرجع حل و فصل اختلافات در قرارداد درج می‌شود که در مقام مقایسه به مراتب نامطلوب‌تر از ارجاع به داوری است.

افتخار جهرمی

سرپرست دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی

جمهوری اسلامی ایران

## اصل ۳۰ و بند ۳ اصل ۳ قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۰-۳۱۸۴

تاریخ ۱۳۸۰/۴/۲۰

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی  
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

ایا سلام  
با توجه به این که در این ایام سرگرم انتخاب اعضای کابینه و تدوین برنامه دولت جدید هستیم در ارتباط با وظیفه‌ای که از سوی جناب عالی بعهده این جانب گذاشته شده، اجازه می‌خواهم توجهتان را به یکی از اصول مهم قانون اساسی که تاکنون به درستی اجرا نشده جلب کنم تا اگر صلاح دانستید تدبیر لازم در دولت جدید برای به اجرا درآوردن آن ولو به تدریج اندیشیده شود.

چنانکه مستحضری در بند ۳ اصل سوم قانون اساسی، از جمله وظایف کلی دولت جمهوری اسلامی، «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح...» شمرده شده است و اصل ۲۰ قانون اساسی با صراحت و تفصیل و وضوح کامل مقرر می‌دارد:

«دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد...»  
این اصل، از جمله اصول مترقی و قابل توجه است که اگر اجرا می‌شد پیامدهای خوبی می‌توانست داشته باشد، به خاطر دارم در مردادماه ۱۳۷۸ که برای بررسی گزارش جمهوری اسلامی ایران در اجلاس کمیته رفع تبعیض نژادی سازمان ملل در ژنو شرکت داشتم یکی از اعضا کمیته (که خانمی چینی بود) با اشاره به همین اصل ۲۰ قانون اساسی که به مناسبتی در گزارش آمده بود گفت این مسأله بسیار جالبی است که دولت باید وسایل تحصیل رایگان را تا پایان دوره متوسطه برای همه فراهم نماید ولی من می‌خواهم بدانم در عمل چگونه این اصل پیاده شده و واقعیت امر چگونه است چون تا

آنجا که من اطلاع دارم در کشورهای در حال توسعه به ندرت توانسته‌اند در این امر توفیق یابند و معمولاً برخی از آنها تا حد سیکل توانسته‌اند تحصیل رایگان را ارائه دهند و می‌خواست بدانند آیا دولت جمهوری اسلامی ایران توانسته است این اصل زیبای قانون اساسی را اجرا کند و به آن جامه عمل بپوشد یا خیر؟

چنانکه می‌دانید در گزارشی که طبق ماده ۱۶ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری در خصوص آمار موارد توقف، عدم اجرا و نقض قانون اساسی با امضاء جناب‌عالی به مجلس شورای اسلامی ارسال شده است، اصل ۳۰ قانون اساسی جزء اصول اجرا نشده یا کامل و درست اجرا نشده به حساب آمده است، طبعاً فراوانی جمعیت دانش‌آموز و سنگین بودن هزینه آموزشی و محدودیت امکانات دولت و مشکلات فراوان آن در طول این ۲۲ سال که از تصویب قانون اساسی می‌گذرد از معاذیر دولت برای موفق نشدن در اجرای درست این اصل و تعمیم آموزش رایگان برای همه در سطح متوسطه است. ضمن این‌که طبعاً دولت مدعی است در مدارس دولتی، این اصل اجرا می‌شود و وجهی بابت آموزش و پرورش از دانش‌آموزان گرفته نمی‌شود و چون دولت امکانات کافی ندارد برای تعمیم آموزش رایگان طبعاً نمی‌تواند و صحیح هم نیست که مانع تأسیس مدارس خصوصی که به نام مدارس غیرانتفاعی شناخته می‌شود بشود و منطقی است که هرکس می‌خواهد در این مدارس تحصیل کند، باید هزینه آن را بپردازد.

ولی بنده می‌خواهم نظر حضرت‌عالی را در این دور جدید از مسؤلیت به این نکته جلب نمایم که اصل ۳۰ قانون اساسی با وضوح و صراحت کامل غیرقابل تفسیر، دولت را موظف کرده وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد؛ درست است که به بهانه اجرای این اصل نمی‌توان مانع فعالیت مدارس خصوصی شد و اقدام سال‌های اول انقلاب در این زمینه تجربه موفق نبود ولی این انتظار از دولت وجود دارد که سیاست‌گذاری آموزشی و برنامه‌ریزی آن بگونه‌ای باشد که سال به سال زمینه اجرای این اصل فراهم‌تر شود و آموزش و پرورش متوسطه به سمت رایگان شدن پیش برود. در حالی که در طی این سال‌ها شاهد رشد روزافزون مدارس خصوصی موسوم به غیرانتفاعی بودیم که عده زیادی از مردم ناگزیرند برای

تحصیل فرزندانشان به این مدارس مراجعه کنند و شهریه سنگین بپردازند، شاید خبر داشته باشید که در این مدارس علاوه بر شهریه‌ای که از سوی آموزش و پرورش بر ایشان تصویب شده مبلغ معتدبه دیگری نیز تحت عنوان کمک از اولیای دانش‌آموز می‌گیرند که صورت مکتوب آن پرداخت اختیاری با قصد کمک است ولی واقعیت امر این است که اولیا ناگزیر از پرداخت آن هستند.

مسأله مهم این است که اگر دولت با عنایت به اصل ۳۰ قانون اساسی بودجه بیشتری به آموزش و پرورش اختصاص دهد و در ارتقاء سطح علمی و اخلاقی مدارس دولتی اهتمام لازم نماید طبعاً مردم به مدارس دولتی روی می‌آورند و ناگزیر نمی‌شوند به این مدارس خصوصی هجوم بیاورند و هزینه سنگینی بپردازند. ضمن این‌که شنیده‌ها حکایت از این دارد که حتی در مدارس دولتی نیز مبالغی تحت عنوان کمک و خودیاری با اجبار به صورت اختیار گرفته می‌شود. بازرسی دقیق و صحیح می‌تواند صحت و سقم این مطلب را روشن کند.

عصاره و خلاصه کلام این‌جانب این است که در برنامه جدید دولت سیاست نزدیک شدن به اجرای اصل ۳۰ قانون اساسی یعنی فراهم کردن وسایل آموزش و پرورش رایگان برای همه دیده شود و در هنگام ارایه برنامه دولت به مجلس گزارش قابل لمس آن داده شود. با توجه به تقدیم گزارش مربوط به اصول اجرا نشدۀ قانون اساسی به مجلس که از جمله آن‌ها اصل ۳۰ است، شاید مناسب باشد اقدامات و تدابیری که آموزش و پرورش دولت حضرت‌عالی در طی چند سال و به خصوص پس از تقدیم آن گزارش در راستای عملی شدن این اصل نموده ارایه گردد و در هر صورت ترسیم آیندۀ ای روشن برای نشان دادن عزم قاطع به عملی ساختن گام به گام این اصل مزبور براننده دولت قانونمدار جناب‌عالی است.

با آرزوی توفیق

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی



بسمه تعالی

شماره ۸۰-۲۶۱۹

تاریخ ۱۳۸۰/۴/۲۶

جناب آقای دکتر مهرپور  
مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام  
گزارش شماره ۸۰-۳۱۸۴/م مورخ ۸۰/۴/۲۰ در خصوص عدم اجرای صحیح بند ۳  
اصل قانون اساسی و اصل ۳۰ قانون اساسی، به استحضار ریاست محترم جمهوری  
رسید، بی نوشت فرمودند:

«البته تذکر به اصل مطلب خوب است ولی پیشنهاد دهنده  
محترم اصلاً از ترکیب بودجه عمومی، منابع دولت، سهم بودجه  
جاری نسبت به کل و سهم بودجه آموزش و پرورش به کل بودجه  
جاری اطلاع دارند و این پیشنهاد را می دهند که دولت بودجه  
آموزش و پرورش را افزایش دهد؟ و آیا بدون تحول بنیادی در  
ساختار بیمار اقتصادی چنین امری میسر است و یا اگر باشد  
پیشنهاد دهنده محترم تیمات و حشمتاک آن را هم محاسبه  
کرده اند؟»

سیدمحمد علی ابطحی

شماره : ۸۱-۵۳۹

تاریخ : ۱۳۸۱/۴/۱۲

جناب آقای حاجی

وزیر محترم آموزش و پرورش

با سلام

با توجه به اصل ۱۱۲ قانون اساسی و مسئولیت رئیس جمهور، خواهشمند است دستور فرمایید اقداماتی که در جهت اجرای بند ۳ اصل سوم و اصل سی ام قانون اساسی در خصوص تأمین آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه بعمل آمده و موانع و مشکلات موجود در این راه، برای این هیأت ارسال گردد.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و

رئیس هیأت بیکری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

شماره ۶۲۰/۲۰۵/۱۰

تاریخ ۱۳۸۱/۶/۹

برادرگرامی جناب آقای مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام و احترام

بازگشت به نامه شماره ۸۱-۲۵۹۰ مورخ ۸۱/۴/۱۲ در مورد اجرای بند «۳» اصل سوم و اصل سیام قانون اساسی در خصوص تأمین آموزش و پرورش رایگان برای همه تا پایان دوره متوسطه به اطلاع می‌رساند؛ کلیه فعالیت‌های وزارت آموزش و پرورش در جهت تأمین آموزش رایگان برای همه افراد متقاضی تحصیل است و برای تحقق این مهم تاکنون سرمایه‌گذاری وسیعی در سراسر کشور انجام شده و به تعداد کافی مدرسه در سطح کشور - اعم از شهرها و روستاها احداث گردیده است. هرچند هنوز بلحاظ کیفیت ساختمان و تأمین تجهیزات آموزشی نواقص چشم‌گیری وجود دارد.

در این مورد احکام روشن برنامه‌های دوم و سوم توسعه خصوصاً تبصره ۶۲ برنامه دوم و بند ۲۴ رادکارهای اجرایی برنامه سوم، مدنظر می‌باشد و متناسب با اعتبارات تخصیص یافته برای ایجاد امکان دسترسی سهل‌تر دانش‌آموزان به آموزشگاه موردنظر اقدام (و حتی در روستاهایی نیز که کمتر از ۱۰ دانش‌آموز دارند مدرسه دایر گردیده است) و به علاوه تأسیس مدارس روستا مرکزی و تهیه سرویس حمل و نقل دانش‌آموزان به مناطق مسکونی خود به هزینه دولت و نیز تأسیس مدارس راهنمایی و دبیرستان شبانه‌روزی اشاره کرد که البته بار مالی قابل توجهی نیز برای دولت دارد. همین هدف را تأمین می‌کند.

حاصل این اقدامات منجر به تغییراتی در شاخص‌های آموزشی گردیده که به بعضی از موارد آن ذیلاً اشاره می‌شود.

۱- کاهش نرخ تراکم دانش‌آموز در کلاس دایر مدارس دولتی در تمام دوره‌ها از ۲۹/۹ نفر در سال تحصیلی ۷۶-۷۷ به ۲۶/۴ نفر در سال تحصیلی ۸۱-۸۰، که عمدتاً ناشی

از تأسیس مدارس در مناطق توسعه نیافته و افزایش پوشش تحصیلی لازم‌التعلیمان در مناطق کم جمعیت است.

۲- کاهش نسبت دانش‌آموز به معلم در مدارس دولتی در تمامی دوره‌ها از ۲۹/۴ نفر در سال تحصیلی ۷۶-۷۷ به ۲۴/۵ نفر در سال تحصیلی ۸۰-۸۱ که این نیز مؤید مطلب بند ۱ و ناشی از تشکیل کلاس‌های جدید در مناطق توسعه نیافته و افزایش پوشش تحصیلی در دوره‌های مختلف تحصیلی است.

۳- کاهش نرخ بهره‌برداری از فضا در تمامی دوره‌ها از ۱/۴۵ در سال تحصیلی ۷۶-۷۷ به ۱/۳۹ در سال تحصیلی ۸۰-۸۱ به سبب ساخت و ساز بیشتر در مناطق توسعه نیافته و محروم.

۴- افزایش فوق‌العاده جذب و پاداش مناطق محروم و به تبع آن افزایش میانگین حقوق و مزایای فرهنگیان به نرخ جاری از ۵۲۵۰۰۰ ریال در سال ۷۶ به ۱۴۵۸۰۰۰ ریال در سال ۸۱ برای جذب و نگهداشت نیروی انسانی و ایجاد انگیزه برای استمرار و افزایش فعالیت آنان در مناطق توسعه نیافته.

۵- افزایش پوشش تحصیلی واقعی افراد ۶-۱۰ ساله از ۹۶/۲ درصد، در سال تحصیلی ۷۶-۷۷ به ۹۸/۱ درصد در سال تحصیلی ۷۹-۸۰.

۶- افزایش پوشش تحصیلی واقعی افراد ۱۱-۱۳ ساله از ۷۳/۹ درصد، در سال تحصیلی ۷۶-۷۷ به ۷۵/۲ درصد در سال تحصیلی ۷۹-۸۰.

۷- افزایش پوشش تحصیلی واقعی افراد ۱۴-۱۷ ساله از ۴۹ درصد، در سال تحصیلی ۷۶-۷۷ به ۵۲/۷ درصد در سال تحصیلی ۷۹-۸۰.

در تداوم این اقدامات در یکسال اخیر بیش از ۱۴ هزار کلاس درس جدید به بهره‌برداری رسیده است که نسبت به دوره قبل بیش از ۴۰ درصد افزایش دارد. (حدود ۳۹۰۰ کلاس از این تعداد با مشارکت خیرین محترم ساخته شده است) و نیز در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸ نسبت به سال قبل ۲/۶ درصد در آموزشگاه‌های روستایی ۱۲/۹ درصد، در تعداد مدارس شبانه‌روزی (مخصوص مناطق روستایی و محروم) و ۷/۸ درصد در تعداد دانش‌آموزان آن‌ها افزایش داشته‌ایم که حاکی از توجه دولت به گسترش

پوشش تحصیلی و تأمین شرایط سهل‌تر دسترسی دانش‌آموزان مناطق محروم و روستایی به مدارس قابل قبول است، که بلحاظ کمی و نیز از جهت کیفی موجب بهبود قابل توجه می‌گردد.

ضرورت اهتمام جدی به بهبود کیفیت و افزایش اثربخشی فعالیت‌های آموزشی و تربیتی از موارد بسیار مهم است که نیازمند سرمایه‌گذاری بیشتر برای تأمین تجهیزات جدید آموزشی - بکارگیری فناوری‌های نوین - بازآموزی‌های معلمان و آشنا کردن آن‌ها با شیوه‌های جدید تعلیم و تربیت و بهبود و استاندارد سازی فضاهای آموزش و پرورش است - که از مشکلات اصلی و اساسی نظام آموزشی کشور محسوب می‌گردد. اهم موانع و مشکلات برای رساندن پوشش تحصیلی به صددرصد لازم‌التعلیمان و بهبود کیفی آموزش و پرورش عبارتند از:

- ۱- فقدان مواد قانونی مناسب برای تعقیب والدینی که در مراجعه و ثبت نام فرزندان خود در مدرسه کوتاهی می‌کنند.
- ۲- موانع فرهنگی در بعضی از مناطق کشور که خصوصاً مانع حضور دختران در کلاس‌های درس می‌گردد و کمبود امکاناتی که بتواند با تأسیس مدارس خالی دخترانه و بکارگیری معلمان زن رفع نگرانی والدین بنماید.
- ۳- عدم امکان تخصیص اعتبار به میزان مورد نیاز.
- ۴- کم‌توجهی به نقش و جایگاه بنیادین آموزش و پرورش در تربیت منابع و سرمایه‌های انسانی کشور و تلقی بخشی مصرفی از آن در تصمیم‌گیران.
- ۵- تلقی منفی نسبت به جلب و جذب کمک‌های مردمی و عدم پیش‌بینی سهم مناسب از هزینه‌های بهبود کیفیت در آموزش و پرورش برای اولیاء علی‌رغم قوانین مختلفی که به صراحت این امر را تجویز کرده است. از جمله قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی و نیز ماده ۱۱ قانون شوراهای آموزش و پرورش.
- ۶- برخی موانع و مشکلات ساختاری که از موضوع این گزارش خارج است.

مرتضی حاجی

پوشش تحصیلی و تأمین شرایط سهل‌تر دسترسی دانش‌آموزان مناطق محروم و روستایی به مدارس قابل قبول است، که بلحاظ کمی و نیز از جهت کیفی موجب بهبود قابل توجه می‌گردد.

ضرورت اهتمام جدی به بهبود کیفیت و افزایش اثربخشی فعالیت‌های آموزشی و تربیتی از موارد بسیار مهم است که نیازمند سرمایه‌گذاری بیشتر برای تأمین تجهیزات جدید آموزشی - بکارگیری فناوری‌های نوین - بازآموزی‌های معلمان و آشنا کردن آن‌ها با شیوه‌های جدید تعلیم و تربیت و بهبود و استاندارد سازی فضاهای آموزش و پرورش است - که از مشکلات اصلی و اساسی نظام آموزشی کشور محسوب می‌گردد. اهم موانع و مشکلات برای رساندن پوشش تحصیلی به صددرصد لازم‌التعلیمان و بهبود کیفی آموزش و پرورش عبارتند از:

۱- فقدان مواد قانونی مناسب برای تعقیب والدینی که در مراجعه و ثبت‌نام فرزندان خود در مدرسه کوتاهی می‌کنند.

۲- موانع فرهنگی در بعضی از مناطق کشور که خصوصاً مانع حضور دختران در کلاس‌های درس می‌گردد و کمبود امکاناتی که بتواند با تأسیس مدارس خالی دخترانه و بکارگیری معلمان زن رفع نگرانی والدین بنماید.

۳- عدم امکان تخصیص اعتبار به میزان مورد نیاز

۴- کم‌توجهی به نقش و جایگاه بنیادین آموزش و پرورش در تربیت منابع و سرمایه‌های انسانی کشور و تلقی بخشی مصزفی از آن در تصمیم‌گیران.

۵- تلقی منفی نسبت به جلب و جذب کمک‌های مردمی و عدم پیش‌بینی سهم مناسب از هزینه‌های بهبود کیفیت در آموزش و پرورش برای اولیاء علیرغم قوانین مختلفی که به صراحت این امر را تجویز کرده است. از جمله قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی و نیز ماده ۱۱ قانون شوراهای آموزش و پرورش.

۶- برخی موانع و مشکلات ساختاری که از موضوع این گزارش خارج است.

مرتضی حاجی

بسمه تعالی

شماره ۸۱-۳۶۵۰

تاریخ ۱۳۸۱/۵/۱۲

جناب آقای مهندس خاتمی

رییس دفتر محترم رییس جمهور

با سلام

عطف به نامه شماره ۱۸۳۱۰ مورخ ۸۱/۴/۲۶ در خصوص مطالب مندرج در روزنامه اطلاعات از سوی شخصی به نام آقای مهندس خسرو پیران، راجع به اصولی از قانون اساسی، که مورد توجه آقای رییس جمهور قرار گرفته و توجه و پیگیری این هیأت را خواستار شده‌اند، جهت اطلاع ریاست محترم جمهوری به استحضار می‌رساند:

۱- در مورد اصل ۱۴۲ قانون اساسی که اجرای آن با رییس قوه قضاییه است تا آنجا که بنده اطلاع دارم و در جریان بوده‌ام در زمان ریاست مرحوم آیه‌الله دکتر بهشتی بر دیوان عالی کشور از سال ۱۳۵۹ فرم‌هایی تهیه شد و برای رهبری و رییس جمهور و معاونین وی و وزراء ارسال گردید که صورت دارایی خود را اعم از منقول و غیرمنقول تهیه و ارسال دارند این کار در دوره‌های مختلف نیز انجام شد و تا سال ۱۳۶۸ که این جانب در دیوان عالی کشور بودم دریافت و نگهداری این فرم‌ها و گزارش دارایی این مسئولین در دفتر این جانب نگهداری می‌شد، پس از ریاست آیه‌الله یزدی بر قوه قضاییه کلیه فرم‌ها و سوابق تحویل دفتر ایشان شد و طبعاً هم‌اکنون نیز در اختیار حضرت آیه‌الله شاهرودی ریاست محترم قوه قضاییه است. در این‌که در حال حاضر این روند ادامه دارد یا خیر اطلاع دقیقی ندارم. اگر ریاست محترم جمهوری صلاح می‌دانند چگونگی اجرای این اصل در حال حاضر از ریاست محترم قوه قضاییه استعلام شود.

۲- در رابطه با اصل ۵۰ قانون اساسی در خصوص حفظ محیط زیست و جلوگیری از فعالیتهای اقتصادی مخرب آن چندی پیش از سوی ریاست محترم حفاظت محیط زیست گزارشی در خصوص وضع جنگل‌ها به ریاست محترم جمهوری ارسال شده و در واقع استمداد شده بود که به این هیأت ارجاع گردد و از سوی این هیأت طی نامه

شماره ۲۶۲۶-۸۱ مورخه ۸۱/۴/۳۰ که تصویر آن پیوست می‌باشد از ریاست حفاظت محیط زیست چگونگی اجرای کامل این اصل و موانع و مشکلات موجود در این راه استعلام شده است.

۲- در رابطه با تأسیس بانک‌های خصوصی چنانکه استحضار دارید طبق اصل ۴۴ قانون اساسی بانکداری در بخش دولتی قرار گرفته و طبعاً تلقی از این اصل در ابتدا این بود که بانک خصوصی و غیردولتی نمی‌تواند وجود داشته باشد و لذا پس از انقلاب اسلامی تمام بانکها دولتی شدند ولی تأسیس مجدد بانکهای غیردولتی به موجب قانون مصوب مجلس شورای اسلامی در آخر فروردین ماه ۱۳۷۹ است که به تأیید شورای نگهبان نیز رسیده است و در روزنامه رسمی شماره ۱۶۰۷۲ مورخ ۱۳۷۹/۲/۱۳ منتشر شده و در توجیه آن آمده است که به منظور افزایش شرایط رقابتی در بازارهای مالی و ایجاد زمینه رشد و توسعه اقتصادی کشور و جلوگیری از ضرر و زیان جامعه با توجه به ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی... اجازه تأسیس بانک توسط بخش غیردولتی داده می‌شود.

البته ابتدا این طرح تحت عنوان اجازه تأسیس بانک تعاون به صورت غیردولتی و از طریق سرمایه‌گذاری شرکت‌های تعاونی و تأمین قسمتی از سرمایه از طریق فروش سهام به مردم تهیه و تصویب شده بود که شورای نگهبان در نظریه مورخ ۷۸/۱۲/۱۵ به شماره ۷۸/۳۱/۶۳۳۷ آن را خلاف صدر اصل ۴۴ قانون اساسی تشخیص داده و رد کرده بود ولی بعداً به صورت قانون فعلی که تصویر آن پیوست است تصویب شد و شورای نگهبان نیز آن را مغایر تشخیص نداد.

البته جای بحث نظری می‌تواند باقی باشد ولی به هر حال چون شورای نگهبان که حافظ قانون اساسی و مانع تصویب قوانین مغایر قانون اساسی است آن را تأیید کرده علی‌القاعده مسئولیتی برای رییس‌جمهور در این زمینه باقی نمی‌ماند.

۴- در ارتباط با اصل ۳۰ قانون اساسی و مسأله آموزش و پرورش رایگان تا سطح متوسطه؛ توجه آقای رییس‌جمهور را به نامه شماره ۸۰-۳۱۸۴ مورخ ۱۳۸۱/۴/۱۲ این هیأت خطاب به معظم‌له که نسبتاً به تفصیل در این زمینه بحث شده جلب می‌کنم، تصویر نامه مزبور پیوست است و حال که مقام محترم ریاست جمهوری به تذکر



یک شهروند در روزنامه در این باره بذل توجه فرمودند، مناسب است یک بار دیگر نامه فوق‌الذکر را ملاحظه فرمایند. اخیراً هم طی نامه شماره ۸۱-۳۵۹۰ مورخ ۱۳۸۱/۴/۱۲ این هیأت خطاب به آقای وزیر آموزش و پرورش از ایشان خواسته شده اقدامات بعمل آمده در اجرای بند ۳ اصل سوم و اصل ۳۰ قانون اساسی در خصوص تأمین آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه و موانع و مشکلات موجود در سر این راه را برای هیأت اعلام دارند که به استحضار ریاست محترم جمهوری برسد (تصویرنامه مزبور نیز پیوست است).

واقعیت امر این است که علاوه بر رشد و فزونی مدارس غیرانتفاعی که مبالغ معتدبه‌ای تحت دو عنوان شهریه مصوب و خودیاری که البته هر دو اجباری است از اولیاء دانش‌آموزان می‌گیرند، مدارس دولتی نیز علاوه بر مبلغ نه چندان زیادی که به طور رسمی و علنی می‌گیرند، مبالغ معتدبه‌ای نیز، تحت عنوان مشارکت مردمی یا خودیاری از اولیای دانش‌آموزان می‌گیرند که هر چند اسماً مشارکت مردمی و خودیاری و معنایش اختیاری بودن پرداخت است ولی عملاً پرداخت آن اجباری و تحقق ثبت نام موکول به پرداخت یا تعهد به پرداخت است مگر این که استثنائاً کسی بتواند با براهین متقن فقر و استیصال خود را ثابت نماید که ممکن است معاف از پرداخت شود. به هر حال بنظر می‌رسد اصل ۳۰ قانون اساسی به درستی اجرا نشده و نمی‌شود و حال که نظر آقای رییس‌جمهور، معطوف به این امر گردیده بجاست از وزارت آموزش و پرورش بخواهند گزارشی واقعی (نه توجیهی) در این زمینه بدهد و اگر واقعاً اجرای این اصل برای دولت متعسر یا متعذر است، به نحوی در مقام اصلاح و یا تفسیر آن برآیند و اگر هم عزمی بر اجرای آن وجود دارد حداقل خط مشی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و کارکردها در جهت اجرای تدریجی این اصل، تنظیم گردد.

حسین مهرپور

مشاور رییس‌جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۱-۳۷۴۶

تاریخ ۱۳۸۱/۷/۷

جناب آقای مهندس خاتمی

رئیس دفتر محترم رئیس جمهور

با سلام

عطف به نامه شماره ۳۰۳۱۶ مورخ ۸۱/۶/۳۱ موضوع تذکر نماینده محترم مردم همدان در مجلس شورای اسلامی در خصوص عدم اجرای اصل ۳۰ قانون اساسی در آموزش و پرورش در زمینه آموزش رایگان که علاوه بر ارسال موضوع برای وزیر محترم آموزش و پرورش، جهت پیگیری به این هیأت نیز ارسال شده است لازم است به استحضار برسانم و در واقع یادآوری کنم که در گزارشی که طبق ماده ۱۶ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری در پایان سال ۱۳۷۸ به امضای مقام محترم ریاست جمهوری به مجلس ارسال شده اصل ۲۰ قانون اساسی جزء اصول اجرا نشده قانون اساسی به شمار آمده است. در نامه شماره ۳۱۸۴-۸۰/م مورخ ۳۰/۴/۲۰ که این جانب خدمت آقای رئیس جمهور نوشتام به مسأله اجرا نشدن اصل ۳۰ قانون اساسی و مشکلات و پیامدهایی که گرفتن شهریه از مردم دارد و این که لازم است آموزش و پرورش چارهای برای آن بیاندیشد اشاره کردم.

در نامه شماره ۸۱-۳۴۵ مورخ ۸۱/۵/۱۲ به مناسبت طرح مطالبی از سوی یکی از خوانندگان در یکی از روزنامه‌ها خطاب به ریاست محترم جمهوری در خصوص اجرا نشدن بعضی از اصول قانون اساسی باز اشاراتی کردم.

طی نامه شماره ۸۱-۳۵۹ مورخ ۸۱/۴/۱۲ از وزیر محترم آموزش و پرورش خواسته شده اقداماتی که در جهت اجرای اصل ۳۰ قانون اساسی بعمل آمده و از جمله موانع و مشکلات موجود از برای هیأت ارسال دارند که متأسفانه تاکنون پاسخی دریافت نشده است، مسأله گرفتن شهریه در مدارس، هم در مدارس غیرانتفاعی با مبالغ نسبتاً زیاد و عموماً بیش از مبلغ مصوب و هم در مدارس دولتی، اجمالاً مطالبی نیست که

قابل انکار باشد هر چند تحقیق صحیح و بی طرفانه‌ای در خصوص کم و کیف آن لازم است ولی حداقل خود این جانب هم در مدرسه غیرانتفاعی و هم مدرسه دولتی مورد اعمال این شهریه‌ها بودم و هم شاهد آن نسبت به دیگران. بنابراین حال که موضوع، در مجلس هم مطرح و تذکر داده شده و در روزنامه‌ها نیز دیده‌ام افراد زیادی در این خصوص می‌نویسند بجااست از وزارت آموزش و پرورش مؤکداً خواسته شود توضیحات صحیح و کافی در این زمینه بدهد و در عین حال تلاش شود به تدریج موانع و مشکلات موجود برداشته شده و زمینه اجرای درست این اصل فراهم گردد. حقیقتاً گرفتن مبالغ قابل توجهی از اولیای دانش‌آموزان هنگام ثبت نام بصورت اجباری ولی تحت عنوان کمک داوطلبانه و اختیاری که بنده در نامه‌های قبلی آن را بیان کردم در شأن جمهوری اسلامی نیست. این مسأله عمدتاً مربوط به قوه مجریه می‌شود که اقتضا دارد ریاست محترم جمهوری پاسخ شایسته و اقدام بایسته را از وزارت آموزش و پرورش بخواهند.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و

رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

## بند ۴ اصل ۲۱ قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۱-۳۵۹۱

تاریخ ۱۳۸۱/۴/۱۲

سرکار خانم شجاعی  
مشاور محترم رییس جمهور و رییس مرکز مشارکت امور زنان

با سلام  
با توجه به اصل ۱۱۲ قانون اساسی و مسئولیت رییس جمهور و با عنایت به نقش و وظیفه مرکز در پیشرفت امور مربوط به زنان، خواهشمند است دستور فرمایید اقداماتی که در جهت اجرای بند ۴ اصل ۲۱ قانون اساسی در خصوص ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست بعمل آمده است، برای این هیأت ارسال گردد.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۳۱۸۸

تاریخ ۱۳۸۱/۴/۳۰

جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

سلام علیکم

با احترام، عطف به نامه شماره ۸۱-۳۵۹۱ مورخ ۸۱/۴/۱۲ در ارتباط با اقدامات انجام شده پیرامون بند ۴ اصل ۲۱ قانون اساسی و بمنظور ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست به استحضار می‌رساند:

با عنایت به مصوبه ۷۸/۱۱/۳ هیأت محترم وزیران مبنی بر تهیه طرح بیمه زنان خانه‌دار توسط مرکز امور مشارکت زنان و در اجرای اصول ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی، همچنین مصوبه مورخ ۷۸/۱۱/۲۷ کمیسیون لوایح، این مرکز طرح بیمه زنان خانه‌دار را در دو قالب تدوین نموده است:

۱- پیشنهاد در چارچوب ساختار نظام جامع تأمین اجتماعی کشور مبنی بر ایجاد صندوق بیمه زنان خانه‌دار در زیرمجموعه سازمان تأمین اجتماعی روستاییان. این پیشنهاد به کمیسیون اجتماعی هیأت دولت تقدیم گردیده است.

۲- طرح بیمه مشارکتی زنان خانه‌دار و تدوین لایحه ایجاد صندوق بیمه زنان خانه‌دار (صندوق احتیاط)

در این طرح خانه‌داری به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن زن، شاغل، در جستجوی کار، مشغول به تحصیل و دارای درآمد بدون کار نبوده و منحصراً به امر خانه‌داری مشغول می‌باشد. در اجرای این طرح زنان خانه‌دار طی دوره سپرده‌گذاری ۵ ساله سرانه بیمه خود را بصورت ماهانه به صندوق بیمه زنان خانه‌دار پرداخت خواهند نمود. نحوه سپرده‌گذاری در صندوق پرداخت ۵۰ درصد از کل سرانه بیمه با مشارکت بیمه شده و ۵۰ درصد مشارکت دولت خواهد بود. از جمله موارد بهره‌مندی از مزایای قانونی طرح بی سرپرستی، بدسرپرستی، سرپرستی خانوار، ازکارافتادگی، سالخوردگی و بیوگی

می‌باشد. بدیهی است زنان خانه‌دار تحت پوشش دستگاه‌های حمایتی و دولتی، زنان مستمری‌بگیر سازمان تأمین اجتماعی و یا مستمری‌بگیران تبعی، زنان وظیفه‌بگیر سازمان بازنشستگی و صندوق‌های مکمل و یا وظیفه‌بگیران تبعی از شمول طرح خارج می‌باشند.

این مرکز در راستای تهیه و تدوین طرح فوق با اختصاص بیش از ۲۸۰۰ ساعت کار کارشناسی اقداماتی از جمله مطالعه طرح‌های پیشنهادی نظام جامع تأمین اجتماعی سازمانها و نهادهای مختلف، مطالعات تطبیقی بررسی وضعیت تأمین اجتماعی زنان خانه‌دار در سایر کشورها، رایزنی با صاحب‌نظران و تشکیل جلسات متعدد با مشاورین فنی طرح و مسوولین سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، بهزیستی و بانک‌های عامل و... را به انجام رسانده است. در حال حاضر طرح در دستور کار کمیسیون اجتماعی هیأت محترم دولت قرار گرفته است و مرکز لایحه‌نهایی را تنظیم و به زودی [به] کمیسیون ارایه خواهد نمود.

با توجه به محدودیت‌های اعتباری طرح و بمنظور ایجاد زمینه اجرای طرح بصورت کلان و ملی، اجرای آزمایشی طرح بیمه زنان خانه‌دار در سال ۱۳۸۱ در ۴ استان کشور به مجلس محترم پیشنهاد شد که در بودجه سال ۸۱ تصویب و در قالب برنامه‌ای جداگانه در فصل رفاه اجتماعی (ردیف ۳۰۰۴۴۰) دیده شده و اجرای آن بر عهده سازمان بهزیستی قرار گرفت. از آنجایی که استان‌های کشور واجد شرایط متفاوتی از حیث شاخص‌های توسعه انسانی برحسب جنسیت (GDI) میزان توانمندی‌های زنان (GEM) نرخ فعالیت‌های اقتصادی زنان نسبت به مردان و میزان آسیب‌دیدگی می‌باشند ۴ استان اصفهان، سمنان، کهگیلویه و بویراحمد و آذربایجان به عنوان استان‌های به ترتیب توسعه یافته، نسبتاً توسعه یافته، نسبتاً توسعه نیافته و توسعه نیافته برای اجرای آزمایشی طرح انتخاب شدند.

زهره شجاعی

اصل ۲۸ قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۱-۳۶۱۴

تاریخ ۱۳۸۱/۴/۱۹

جناب آقای دکتر حسینی  
وزیر محترم کار و امور اجتماعی

با سلام

با توجه به اصل ۱۱۳ و مسئولیت رییس جمهور در اجرای قانون اساسی و نقش و موقعیت وزارت کار و امور اجتماعی، دستور فرمایید اقداماتی که در جهت اجرای اصل ۲۸ قانون اساسی در مورد ایجاد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی برای احراز مشاغل برای همه افراد، بعمل آمده و میزان موفقیت و موانع و مشکلات موجود در این راه برای این هیأت ارسال گردد.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۳۰۹۵۳

تاریخ ۱۳۸۱/۵/۲۲

جناب آقای حسین مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

احتراماً، در پاسخ نامه شماره ۸۱-۲۶۱۴ مورخ ۱۳۸۱/۴/۱۹ در خصوص اقداماتی که در جهت اجرای اصل ۲۸ قانون اساسی در مورد ایجاد شرایط مساوی برای احراز مشاغل و امکان اشتغال به کار همه افراد بعمل آمده، نکات ذیل را باستحضار می‌رسانند:

اولاً: با توجه به ماهیت وظایف و نقش وزارت کار و امور اجتماعی که بیشتر امری حاکمیتی است تا تصدی‌گری این وزارت مستقیماً اشتغالی را ایجاد نمی‌نماید تا اجرای اصل فوق‌الذکر موضوعیت داشته باشد ولی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های خود همواره رعایت این اصل را نصب‌العین قرار داده است مثلاً در تنظیم، تدوین و اجرای آیین‌نامه ماده ۵۶ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی که با دو بازار کار در ارتباط است از هر نظر شرایط مساوی در نظر گرفته است تا از یکطرف افراد صرفنظر از جنسیت، گرایش‌های سیاسی و براساس شرایط معینی بتوانند متقاضی استفاده از تسهیلات باشند از طرف دیگر در خصوص بکارگیری بیکاران جویای کار هم، شرایط مساوی برای احراز مشاغل بدون هیچ‌گونه تبعیضی در نظر گرفته شده است.

ثانیاً: وزارت کار و امور اجتماعی مجوز استخدام تعدادی نیروی کار جدید را در سال جاری کسب نموده است، در این خصوص نیز شرایط مساوی برای احراز مشاغل و امکان اشتغال به کار برای همه منظور داشته است.

سیدصفدر حسینی

وزیر کار و امور اجتماعی